

بررسی موازین حقوقی حاکم بر حریم خصوصی و حمایت از

آن در حقوق ایران

سید مجتبی واعظی^۱، سید علی علی پور^{۲*}

۱. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه آزاد شیراز

(تاریخ دریافت: ۸۸/۱۰/۲۲؛ تاریخ تصویب: ۸۹/۰۴/۳۰)

چکیده

حریم خصوصی، از موضوعات بنیادین حقوق بشری و یکی از مفاهیم نظام‌های حقوقی توسعه‌یافته است که ارتباط بسیار نزدیکی با کرامت انسان‌ها دارد، بنابراین پشتیبانی و حمایت از شخصیت افراد و حقوق شهروندان، نیازمند حمایت از حریم خصوصی است. در نظام حقوقی ایران، حریم خصوصی به صورت مشخص و معنون حمایت نشده و در واقع، موضع حقوق موضوعه ایران در مواجهه با حریم خصوصی، تحویل‌گرایانه است. حقوق و آزادی‌ها به منزله حریم خصوصی به‌طور ضمنی و در میان سایر قواعد حقوقی، به‌طور ناقص، مورد حمایت قرار گرفته‌اند. قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری، قانون آزادی اطلاعات، قوانین و مقررات مربوطه به ارتباطات پستی، تلفنی و قانون مطبوعات در زمره قوانین و مقرراتی هستند که گاه ضمنی و گاه صریحاً از برخی مصادیق حریم خصوصی حمایت کرده‌اند. البته برخلاف قوانین اساسی کشورهای دیگری که از حریم خصوصی به صورت مشخص و در قالب اصل یا اصول خاصی حمایت کرده‌اند، در قانون اساسی ایران متن خاصی که از حریم خصوصی، تحت این عنوان حمایت کرده باشد، وجود ندارد.

واژگان کلیدی:

حریم خصوصی، قانون اساسی، قانون آیین دادرسی کیفری، قانون حقوق شهروندی، قانون مجازات اسلامی.

مقدمه

وجود حوزه خصوصی و حوزه عمومی جدا از دولت، اغلب بمنزله پیش شرط ضروری یک جامعه مردم سالار قلمداد شده است. نبود این دو قلمرو، به معنای آن است که همه جامعه، یکسره زیر سیطره حکومتی استبدادی، یا اقتدارگرا است. در این حالت، همه امور شهروندان مشمول نظارت دولتی است. در جامعه مردم سالار، شهروندان ضمن این که اموری چون تأمین و تضمین امنیت را به دولت می سپارند، قلمروهایی را هم از مداخلات دولتی خارج می کنند. مردم، هم به فضایی نیازمندند که با آسودگی خاطر و بدون مداخله دولت، روابط خانوادگی، روابط صمیمی و دوستانه خود تنظیم کنند؛ و هم به سپری عمومی نیاز دارند (روزنبلم، ۱۳۸۳، ص ۱۱۶۴). به طور کلی، در یک تعریف از «پیتتر» می توان حقوق عمومی را «قلمرو ارتباط آزاد و خردمندانه درباره دغدغه های عمومی مورد چالش و تبادل آزاد افکار درباره این دغدغه ها» تعریف کرد. حوزه عمومی، کم تر به فضای فیزیکی لازم در شهرها و دیگر محل های سکونت انسانی اشاره دارد؛ هر چند آن ها برای وجود حوزه عمومی ضروری اند (برمن، ۱۳۸۶، ص ۷). حوزه خصوصی، عرصه ای است متشکل از: افراد و خانواده های خودمختار و نهادهای اجتماعی داوطلب و غیر دولتی. حوزه خصوصی در تعریف رایج تر، قلمروی است که در برابر روابط شخصی و خانوادگی، بیش تر با عنوان حریم خصوصی شناخته می شود.

مفهوم حریم خصوصی

با آنکه عبارت «حریم خصوصی» در زبان محاوره و نیز مباحث فلسفی، سیاسی و حقوقی، مکرر استعمال می شود ولی هنوز تعریف مدون و مشخصی از آن، ارائه نشده است. مفهوم حریم خصوصی، ریشه های عمیقی در مباحث جامعه شناسی و انسان شناسی دارد که نشان می دهد چگونه در فرهنگ های مختلف برای آن، ارزش قائل شده اند. حریم خصوصی، مفهومی سیال است که امروزه از جمله آزادی وجدان و اندیشه، کنترل بر جسم خود، داشتن خلوت و تنهایی در منزل و مکان خصوصی، کنترل بر اطلاعات شخصی، رهایی از نظارت های سمعی و بصری دیگران، حمایت از حیثیت و اعتبار خود و حمایت در برابر تفتیش ها، تجسس ها و رهگیری ها را شامل می شود. حق حریم خصوصی، حق زندگی کردن است با میل و سلیقه خود

و با حداقل مداخله و ورود دیگران. به دیگر سخن، حقی است که بر اساس آن، افراد می‌توانند تعیین کنند که دیگران تا چه اندازه می‌توانند به لحاظ کمیت و کیفیت، اطلاعاتی درباره آنان داشته باشند (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۱۱).

در حریم خصوصی، انتظار این است که اطلاعات شخصی و محرمانه، که از آن در محلی خصوصی پرده برداشته می‌شود، برای شخص سومی آشکار و برملا نشود. زیرا این افشاگری سبب ناراحتی یا اضطراب و تنش احساسی برای کسی می‌شود که نسبت به این مسئله حساس است. در واقع حریم خصوصی به افرادی تعلق می‌گیرد که در محلی هستند که شخص انتظار دارد آن محل خصوصی بماند (رونالد ستاندلر، ۱۹۹۷، ص ۱۱).

امروزه دو رویکرد مختلف در مورد هویت استقلالی حریم خصوصی وجود دارد:

۱. برخی با نظری شکاکانه و انتقادی، حق حریم خصوصی را مورد مطالعه قرار می‌دهند. مهم‌ترین ادعای این افراد، آن است که حق مستقلی به نام حق حریم خصوصی وجود ندارد و حق مذکور، مفاد و موضوع تازه‌ای ندارد و حاوی مطلب خاصی هم نیست. زیرا می‌توان هر امری را که به عنوان امر خصوصی مورد حمایت حق حریم خصوصی قرار می‌گیرد در قالب دیگر نفع‌ها یا حق‌ها به ویژه حق تمامیت جسمی، مورد حمایت قرار داد. از این گروه به «تحویلی‌گرایان» یاد می‌شود. در فرانسه، آلمان و سایر کشورهای عضو خانواده حقوقی «حقوق نوشته» این گرایش، غلبه دارد.

۲. بسیاری از نظریه‌پردازان بر این باورند که حریم خصوصی، مفهومی مستقل و جدا از سایر حقوق فردی است. این گرایش در انگلستان و آمریکا و سایر کشورهای عضو خانواده حقوقی «کامن لا» غلبه دارد. اینان، تعاریف مختلفی از حریم خصوصی ارائه کرده‌اند که این تعاریف را می‌توان در شش دسته کلی آورد:

- حریم خصوصی عبارت است از حق تنهاماندن
- حریم خصوصی یعنی دسترسی محدود دیگران به انسان و توانایی ایجاد مانع در برابر دسترسی‌های ناخواسته و ناخوانده به انسان
- حریم خصوصی یعنی محرمانگی و پنهان‌ساختن برخی امور از دیگران
- حریم خصوصی یعنی کنترل بر اطلاعات شخصی
- حریم خصوصی یعنی حمایت از شخصیت و کرامت
- حریم خصوصی یعنی حق بر عالم صمیمیت و کرامت انسان‌ها.

برخی از این تعاریف و برداشت‌ها، برای افاده مفهوم حریم خصوصی به وسیله، متوسل شده‌اند و برخی به هدف. بین این برداشت‌ها تداخل و هم‌پوشانی نیز وجود دارد. برای مثال، کنترل بر اطلاعات شخصی برابر است با محدود ساختن دسترسی دیگران به انسان. بنابراین، برداشت‌های مذکور برای نشان دادن نظریه‌هایی است که درباره حریم خصوصی ارائه شده‌اند. (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۱۳)

هم‌چنین، گفتنی است که اکنون دو گرایش کلی در برخورد با حریم خصوصی به چشم می‌خورد:

۱. برداشت‌های توصیفی از حریم خصوصی، گویای آنند که در واقع چه چیزهایی به عنوان امور خصوصی شناخته می‌شوند.
۲. برداشت‌های دستوری از حریم خصوصی، که از ارزش حریم خصوصی و حدود شایسته حمایت از آن، حکایت می‌کنند. در هر یک از برداشت‌های مذکور، بعضی متفکران، حریم خصوصی را «نفع»^۱ تلقی می‌کنند و برخی دیگر آن را «حق»^۲ اخلاقی یا قانونی می‌دانند که باید جامعه یا قوانین از آن حمایت کنند (کیت، ۲۰۰۲، ص ۳).

اساس و مبنای حق حریم خصوصی

حریم خصوصی، بخشی از حیات شخصی و خانوادگی انسان محسوب می‌شود که جدا از عرصه عمومی - اجتماعی و رسمی است. لذا اساس آن، مبتنی بر حمایت از آزادی و استقلال فردی، حمایت از آبرو و حیثیت افراد و حمایت از نیازهای فطری انسان به مسائل شخصی و خصوصی است. برای روشن شدن مطلب، این موارد بررسی می‌شود:

حمایت از آزادی و استقلال

حریم خصوصی، نه تنها از آزادی و استقلال افراد در برابر هم‌نوعان خود و رسانه‌ها حمایت می‌کند، بلکه وسیله‌ای است برای دفاع از آزادی و امنیت فردی در برابر دولت. در تعریف حریم خصوصی، بیان شد قلمرو حریم خصوصی به گونه‌ای است که افراد مایل نیستند دیگران بدون رضایت آن‌ها به آن وارد شوند. بنابراین، حریم خصوصی با آزادی و استقلال انسان و حق تعیین

1. Interest
2. Right

سرنوشت خود و در یک کلام، با دفاع از کرامت انسانی، ارتباط تنگاتنگی دارد. حریم خصوصی، فضای لازم برای رشد و تکامل شخصیت افراد را فراهم می‌آورد و به تعبیر «دیوان اروپایی حقوق بشر» به تکریم «تمامیت مادی و معنوی» انسان می‌انجامد و به انسان‌ها امکان می‌دهد که فارغ از فشارها و ملاحظیات و محذورات بیرونی مختلف، برای خود، خلوت و تنهایی و آرامش و امنیت خاطر داشته باشند و در آن عرصه‌ها با تعقیب اهداف و غایات کاملاً خصوصی و خالصانه، درجات مختلفی از صمیمیت را مطابق میل خود با دیگر هم‌نوعان برقرار کنند و به ویژه در عرصه ابراز عواطف و احساسات، شخصیت خود را شکوفا سازند. به انسان‌ها اجازه می‌دهد تا در خلوت‌های ذاتی یا قراردادی افکار و اعمال خود را مورد محاسبه قرار دهند و دور از چشم و گوش و نظارت انسان‌های دیگر، فارغ از هرگونه بازی و ریاکاری، اصالت و صداقت خود را دست‌کم در مورد خویشان ارزیابی کنند.

حمایت حریم خصوصی از آبرو و حیثیت افراد

در «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، حمایت از حق حریم خصوصی و لطمه‌نزدن به آبرو و حیثیت افراد در یک ماده واحد و ملازم با یکدیگر ذکر شده‌اند. چرا که در بسیاری از موارد، افشای امور خصوصی افراد، آبرو و حیثیت آن‌ها را به مخاطره می‌اندازد. انسان‌ها غالباً عیب‌ها و خطاهای خود را از دیگران پنهان می‌کنند. در بسیاری از موارد، چون این خطاها در عالم خلوت و دور از انظار واقع می‌شوند و غالباً به امور عمومی ربط ندارند، انسان‌ها حق دارند تا آن‌ها را از اشخاص دیگر پنهان سازند. جامعه نیز غالباً نفع مشروعی در دانستن عیب‌ها و لغزش‌های افراد ندارد. بنابراین تا وقتی که ضرورت مبرم اجتماعی ایجاب نکند، باید از افشای امور خصوصی و مکتوم افراد امتناع شود و حریم خصوصی، در صدد است چنین هدفی را برآورده سازد.

نیاز فطری انسان به حریم خصوصی

برخی اندیشمندان معتقدند که برخورداری از حریم خصوصی، نیازی فطری است که ضرورت آن بدون استدلال عقلی و از طریق شهود، قابل درک است. تحقیقاتی که برخی انسان‌شناسان انجام داده‌اند مؤید این امر است و حتی جانورشناسان نیز اثبات کرده‌اند که برخی حیوانات نیز به طور غریزی برای حریم خصوصی اهمیت قائلند (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۴۰).

حریم خصوصی در حقوق موضوعه ایران

در نظام حقوقی ایران، حریم خصوصی به صورت مشخص، حمایت نشده است. حقوق و آزادی‌هایی که تحت عنوان «حریم خصوصی» حمایت می‌شوند، به طور ضمنی و در بطن سایر قواعد حقوقی ایران، مورد حمایت قرار گرفته‌اند. قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری، قوانین و مقررات مربوط به ارتباطات پستی، تلفنی و اینترنتی و قانون مطبوعات، در زمره قوانین و مقرراتی هستند که گاه ضمنی و گاه صریح، از برخی مصادیق حریم خصوصی حمایت کرده‌اند. «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» که دولت ایران به آن ملحق شده است تنها منبعی است که به طور صریح، بر حمایت از حریم خصوصی در نظام حقوقی ایران تأکید دارد. برای روشن شدن مطلب، به بررسی قوانین موضوعه ایران و کاستی‌های این قوانین پرداخته می‌شود.

حریم خصوصی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی در کشور، دارای جایگاه و اهمیت خاصی است که اهمیت ویژه آن در میان سایر قوانین در حقیقت بعلت ارتباطی است که این قانون، با ساختار کلی حقوقی - سیاسی هر کشور دارد. احترام به قانون، ضامن ثبات و تداوم و استحکام چهارچوب‌های دولت - کشور و رژیم سیاسی مستقر در هر جامعه و کشوری است. به هر حال، قانون اساسی هر کشور چارچوب کلی قوانین را نشان می‌دهد (قاضی، ۱۳۸۳، ص ۴۶). از این رو، و در ارتباط با حریم خصوصی باید گفت: بر خلاف قوانین اساسی کشورهای دیگری که از حریم خصوصی به صورت مشخص در قالب اصل یا اصولی خاص حمایت کرده‌اند، در قانون اساسی ایران متن خاصی وجود ندارد که از حریم خصوصی به این عنوان، حمایت کرده باشد؛ اما به نوعی، مواردی از جمله حریم خلوت و تنهایی، حریم مکانی، حریم اطلاعات، حریم ارتباطات و حریم جسمانی، مورد توجه قرار گرفته است. در واقع در قانون اساسی ایران، که ملهم از قرآن مجید و دستورات اسلام است، اگر چه به کلمه «حریم خصوصی» به طور صریح اشاره نشده، اما در تحلیل چند اصل مهم قانون اساسی، به وضوح می‌توان توجه خاص اما ناکافی، به مفهوم حریم خصوصی را مشاهده کرد. در اصول ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۸، ۳۹، ۴۰ و

۴۲^۱ به این موارد اشاره شده است (هاشمی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۹).

۱. اصل ۱۹ - مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.
- اصل ۲۰ - همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.
- اصل ۲۲ - حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.
- اصل ۲۳ - تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.
- اصل ۲۴ - نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن راقانون معین می‌کند.
- اصل ۲۵ - بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.
- اصل ۲۶ - احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت.
- اصل ۲۷ - تشکیل اجتماعات و راه‌پیماییها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.
- اصل ۲۸ - هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند.
- دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.
- اصل ۳۰ - دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.
- اصل ۳۲ - هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.
- اصل ۳۳ - هیچکس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.
- اصل ۳۵ - در همه دادگاهها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.
- اصل ۳۸ - هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند

کاستی‌های قانون اساسی در مورد حریم خصوصی

حقوق و آزادی‌ها را از حیث موضوع در قانون اساسی، می‌توان به حقوق سیاسی، اداری، اقتصادی، فرهنگی و قضایی تقسیم نمود.

در زمینه حقوق سیاسی شهروندان، می‌توان از اصول ۲۳ تا ۲۷ قانون اساسی نام برد که موضوع آن، آزادی بیان، ممنوعیت تفتیش عقاید، بازرسی نامه‌ها، مکالمات تلفنی و ممنوعیت هرگونه استراق سمع و تجسس، آزادی تشکیل احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و انجمن‌های اسلامی و اقلیت‌های دینی است.

حقوق قضایی، سومین بخش از حقوق اجتماعی شهروندان است که قانون اساسی جمهوری اسلامی در هشت اصل ۲۲، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸ و ۳۹ به آن پرداخته است. در مجموعه این اصول، به حقوق قضایی شهروندان به صورت کلی و بدون هیچ قید و شرطی پرداخته شده است. در یک نگاه کلی، به مجموعه قوانین ناظر به حقوق شخصی افراد، ملاحظه می‌شود که در ۱۳ اصل آن هیچ قید و تحدیدی برای حقوق شهروندان منظور نشده است. این اصول هر دو دسته حقوق «شخصی و خصوصی» و «حقوق عمومی» افراد جامعه را در بر می‌گیرد. موضوع قوانین دسته دوم که از آن به عنوان حقوق مشروط می‌توان یاد کرد خارج گردیده و به حیطه روابط متقابل میان افراد جامعه با نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه کشیده شده است. قانون‌گذار با صراحت، شروط را در متن قانون ذکر کرده و با توجه به محتوای این شروط، می‌توان گفت هدف قانون‌گذار در این موارد، حفظ مبانی نظام اسلامی، استقلال کشور، مصلحت عمومی و جلوگیری از تعدی و تجاوز به حقوق سایر افراد جامعه است. اصول «مشروط» در حقوق شهروندان و حریم خصوصی قانون اساسی، ۵ اصل است. هم‌چنین در

مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است.

متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

اصل ۳۹ - هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعیدشده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

اصل ۴۰ - هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

اصل ۴۲ - اتباع خارجه می‌توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران درآیند و سلب تابعیت این‌گونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آن‌ها را بپذیرد یا خود آن‌ها درخواست کنند.

اصولی که مقید به حکم قانون گردیده موضوع حق، در کل به حقوق عمومی و روابط متقابل افراد با یکدیگر و به نظام اسلامی برمی گردد و تنها در یک مورد، مربوط به بحث مالکیت شخصی است. اما این حق، مطلق نبوده و ضوابطی را که قانون برای آن تعیین می کند به عنوان تحدید در اصل مالکیت شخصی در قانون اساسی محسوب می شود؛ گرچه به عنوان حقوق خصوصی و شخصی پذیرفته شده است.

به طور کلی، می توان گفت در قلمرو حقوق خصوصی و عمومی، ملاک عدم تجاوز به حقوق سایرین به عنوان یک معیار غالب در تدوین قوانین لحاظ گردیده و در جایی که بیم تجاوز به حقوق دیگران نیست چه در حریم حقوق شخصی افراد و چه در حریم حقوق عمومی، هیچ گونه قید و شرط و یا تحدید قانونی وجود ندارد و بالعکس در جایی که بیم تجاوز به حقوق دیگران وجود دارد؛ بدیهی است که برقراری هرگونه شرط یا ضابطه و یا تحدید قانونی، مادامی که در مسیر حفظ حقوق دیگران باشد، عملی عقلانی و پذیرفته شده است. اما چگونگی این شروط در مقام اجرا است که با چالش مواجه می شود. از هدفهای قانون گذاری، برآوردن نیازهای انسان است، به شرطی که موجب تعدی و تجاوز به دیگران نگردد. این نیازها شامل نیازهای مادی، جسمانی و نیاز به امنیت است که تأکید در این بحث، بیش تر ناظر به نیاز امنیت در افراد است. نیاز به امنیت، موجب توجه به حریم خصوصی اشخاص و امنیت حریم آنها می شود. نیاز به امنیت، نیازی است که هم جنبه مادی دارد و هم جنبه معنوی و روحی - روانی. در یک جامعه، ممکن است نیاز به امنیت روحی و روانی در گرو برآورده شدن سایر نیازهای انسان باشد. بنابراین، امنیت (در حریم خصوصی) موضوع مشترک بین نیاز فردی با نیاز حاکمیت برای اداره امور جامعه است و ایجاد ضابطه قانونی و پشتوانه های لازم، برای مجازات کسانی که امنیت افراد را مورد تعرض قرار دهند، از جمله ضروریاتی است که در قانون اساسی از جایگاه ویژه برخوردار است. به همین منظور اصل ۲۲، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹ و ۴۰ و هم چنین بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی ناظر بر تأمین نیاز امنیتی انسان است که در مجموع ۹ اصل و یک بند از اصول دیگر برای برقراری امنیت در هر دو بخش روحی - روانی و مادی تدارک دیده شده است.

مسئله دیگری که در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته بحث احترام و تکریم است که در حقیقت تأمین کننده نیازهای عاطفی و روحی - روانی انسانها است و جز با مهم تلقی شدن، در تمامی مراحل زندگی خصوصی و اجتماعی، تأمین نخواهد شد. اگر چه این امر کاملاً ذهنی و

روانی است اما مصادیق خاصی برای مهم‌تلقی شدن گروه‌های سنی و جنسی مختلف و در موقعیت‌های متفاوت، قابل جستجو است. این نیاز در انسان با آزادی عقیده و بیان، آزادی تشکیل اجتماعات و... آشکار می‌شود. اصول ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۱۵ و ۱۹ و نیز بندهای ۷ و ۸ اصل سوم و بند ۴ اصل چهل و سوم به منظور تامین این دسته از نیازها، مقرر گردیده است. برخلاف قوانین اساسی کشورهایی که از حریم خصوصی به صورت مشخص و در قالب اصل یا اصول خاصی حمایت کرده‌اند، در قانون اساسی ایران اصل خاصی که از حریم خصوصی، تحت این عنوان حمایت کرده باشد وجود ندارد. اگر حریم خصوصی را در حوزه‌های حریم خلوت و تنهایی، حریم مکانی، حریم اطلاعات، حریم ارتباطات و حریم جسمانی دسته‌بندی کنیم، در قانون اساسی ایران:

۱. داشتن حریم خصوصی به عنوان یک حق اساسی، مورد شناسایی واقع نشده است.
۲. حریم خلوت و تنهایی نه به صورت صریح و نه به صورت ضمنی، حمایت نشده است.
۳. از مواردی که انتظار داشتن حریم خصوصی در آنها مورد پذیرش حقوق بشر خارجی و یا حقوق بشر بین‌المللی است، در اصل ۲۲ تنها به «مال» و «مسکن» اشاره شده است^۱ و از حریم «محل کار» یاد نشده است، مگر آن که از کلمه «شغل» تفسیر موسعی ارائه شود.
۴. آزادی اطلاعات جز به صورت بسیار مضیق در اصل ۲۴ قانون اساسی منعکس نشده است^۲ و استثنای این آزادی نیز «عدم اخلال به مبانی اسلام» و «عدم اخلال در حقوق ذکر شده است. نقض حریم خصوصی به وسیله نشریات و مطبوعات را به دشواری می‌توان اخلال در مبانی اسلام یا مخل حقوق عمومی دانست.
۵. در اصل ۲۵ بدون تصریح به «آزادی ارتباطات» به استثنای این آزادی اشاره شده و از حریم خصوصی ارتباطات، در مورد شایع‌ترین وسایل ارتباطی، حمایت شده است. این اصل یکی از مهم‌ترین اصول قانون اساسی است که به نحو روشن و مشخص به حمایت از حریم خصوصی ارتباطات پرداخته است.
۶. به حریم خصوصی جسمانی، اشاره خاصی نشده است و تنها با تفسیر کلمات «حیثیت» و

۱. حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.
 ۲. اصل ۲۴: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد تفصیل آن را قانون معین می‌کند.

«جان» مذکور در اصل ۲۲ قانون اساسی، حریم خصوصی جسمانی را می‌توان مشمول حمایت‌های قانون اساسی دانست.

۷. اصل ۲۵ قانون اساسی هرگونه تجسس را ممنوع دانسته است که با احراز مفهوم «تجسس» می‌توان بسیاری از مصادیق نقض حریم خصوصی را معادل تجسس و ممنوع، قلمداد کرد.

۸. کلمه «حقوق» مذکور در اصل ۲۲ را با تفسیری موسع می‌توان ناظر بر حریم خصوصی دانست. این حق، مصون از تعرض اعلام شده است.

۹. در اصول ۱۴ و ۲۰ قانون اساسی بر رعایت حقوق انسانی همه افراد تأکید شده است. چنان‌که اشاره شد، حق حریم خصوصی با کرامت و تمامیت انسان‌ها ارتباط تنگاتنگی دارد و در زمره مهم‌ترین حقوق انسانی است که در اسناد بین‌المللی بسیاری، از آن نام برده شده است.

۱۰. حمایت از حریم خصوصی، در اصولی از قانون اساسی تابع قیدهایی شده است که در میان آن‌ها، «حکم قانون» بیش از سایر استثناها مورد توجه است؛ اما به اوصاف قوانینی که می‌توانند قیود مذکور را تحمیل کنند، اشاره‌ای نشده است.^۱ هم‌چنین به «امنیت ملی» که در زمره مهم‌ترین استثنای حریم خصوصی است در اصول مذکور، توجه نشده است، مگر آن که آن را مشمول «حقوق عمومی» بدانیم که در این صورت نیز تنها اصل ۲۴ به آن اشاره کرده است (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۳۹). بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که قانون اساسی ایران، همانند قانون اساسی فرانسه اصطلاح «حریم خصوصی» را به کار نبرده است، ولی از راه تفسیر قانون اساسی، می‌توان حریم خصوصی را مورد حمایت آن دانست.

حریم خصوصی در قانون آیین دادرسی کیفری

قانون آیین دادرسی که قانون تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های «تعیین‌شده» محسوب

۱. به موجب رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر، نقض حریم خصوصی فقط به موجب قانون و بر اساس ضرورت و در یک نظام دموکراتیک توجیه پذیر است. قانون مذکور باید با تعابیر روشن و قابل فهم برای عموم نوشته شده باشد به راحتی در دسترس و اطلاع عموم قرار گرفته و منتشر شده باشد و موارد امکان نقض حریم خصوصی را دقیق و به تفصیل بیان نموده باشد (Sudre, 2009: 429). با این حال دیوان عالی ایالات متحده با هرگونه تعدی حکومتی به سپهر محترم اقامتگاه یک فرد و زندگی خصوصی وی مخالفت نموده است (لوشر، ۱۳۹۰، ص ۱۶۸).

می‌شود، موثرترین وسیله برای عملی کردن حمایت از حق حریم خصوصی است. به طوری که با نگاهی اجمالی به برخی مواد این قانون می‌توان میزان حمایت واقعی از حریم خصوصی را احراز کرد. البته تنها از طریق استناد به یک یا چند ماده قانون آیین دادرسی نمی‌توان احراز کرد که حریم خصوصی حمایت شده و این حمایت به چه میزان است. بلکه باید با مطالعه همه مواد این قانون «روح آیین دادرسی» موجود را کشف کرد. در میان قوانین آیین دادرسی، قانون آیین دادرسی کیفری در مقایسه با سایر قوانین (آیین دادرسی مدنی، اداری) اهمیت بیش تری دارد. زیرا در این قانون بیش از سایر قوانین آیین دادرسی، قدرت حکومت و مأموران دولت در تعرض به حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی محدود می‌شود. مهم‌ترین مواد این قانون در حمایت از حریم خصوصی شامل: ماده ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۹، ۱۳۱^۱ است (زراعت، ۱۳۸۲، ص ۴۶).

۱. ماده ۹۶ - تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و اشیاء در مواردی به عمل می‌آید که حسب دلایل، ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم، در آن محل وجود داشته باشد.
- ماده ۹۷ - چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص مزاحمت کند، در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهمتر باشد.
- ماده ۹۸ - تفتیش و بازرسی در حضور متصرف قانونی و شهود تحقیق و در غیاب وی در حضور ارشد حاضرین به عمل می‌آید. تفتیش و بازرسی اماکن نیز حتی‌المقدور با حضور صاحبان یا متصدیان آنها انجام می‌شود.
- تبصره - هرگاه در محلی که از آن تفتیش و بازرسی به عمل می‌آید کسی نباشد و تفتیش و بازرسی نیز فوریت داشته باشد، قاضی می‌تواند با قید مراتب در صورت جلسه، دستور باز کردن محل را بدهد.
- ماده ۱۰۰ - تفتیش و بازرسی منازل در روز به عمل می‌آید و هنگام شب در صورتی انجام می‌گیرد که ضرورت اقتضا کند. جهت ضرورت را قاضی باید در صورت مجلس قید کند.
- ماده ۱۰۳ - از اوراق و نوشته‌ها و سایر اشیای متعلق به متهم، فقط آنچه که راجع به واقعه جرم است تحصیل و در صورت لزوم به شهود تحقیق ارائه می‌شود و قاضی مکلف است در مورد سایر نوشته‌ها و اشیاء متعلق به متهم با کمال احتیاط رفتار نموده و موجب افشای مضمون و محتوای آنها که ارتباط به جرم ندارد نشود.
- ماده ۱۰۴ - در مواردی که ملاحظه، تفتیش و بازرسی مراسلات پستی، مخابراتی صوتی و تصویری مربوط به متهم برای کشف جرم لازم باشد قاضی به مراجع ذی ربط اطلاع می‌دهد که اشیاء فوق را توقیف نموده نزد او بفرستند، بعد از وصول آن را در حضور متهم ارائه کرده و مراتب را در صورت مجلس قید نموده و پس از امضاء متهم آن را در پرونده ضبط می‌کند. استنکاف متهم از امضا در صورت مجلس قید می‌شود و چنانچه اشیاء مزبور حائز اهمیت نبوده و ضبط آن ضرورت نداشته باشد با اخذ رسید به صاحبش مسترد می‌شود.
- تبصره - کنترل تلفن افراد جز در مواردی که به امنیت کشور مربوط است و یا برای احقاق حقوق اشخاص به نظر قاضی ضروری تشخیص داده‌شود، ممنوع است.

کاستی‌های قانون آیین دادرسی در ارتباط با حریم خصوصی

در ارتباط با نقش نظام قانونی و حقوق کیفری، در حمایت از حریم خصوصی، عوامل اجتماعی بویژه فرهنگی را نباید نادیده گرفت. حمایت نظام قانونی از حریم خصوصی فقط به تضمین‌های حقوقی محدود نمی‌شود. در گذشته، حمایت از خلوت به طور سنتی در حقوق شبه جرم انجام می‌گرفت. امروزه با توجه به گسترده‌گی دامنه تهدیدها علیه حریم خصوصی، نمی‌توان تنها با تکیه بر قوانین مسئولیت مدنی و شبه جرم از حق بر خلوت، طرفداری کرد.

ماده ۱۰۶ - هرگاه متهم نوشته‌های خود را که مؤثر در کشف جرم است به وکیل خود یا شخص دیگری سپرده باشد قاضی می‌تواند آن‌ها را حسب مورد در حضور وکیل یا آن شخص بررسی کند و در صورت استنکاف از ارائه آن‌ها، مستنکف به مجازات مقرر برای خلاصی متهم از محاکمه محکوم خواهد شد.

ماده ۱۱۲ - احضار متهم به وسیله احضار نامه به عمل می‌آید. احضار نامه در دو نسخه فرستاده می‌شود، یک نسخه را متهم گرفته و نسخه دیگر را امضاء کرده به مأمور احضار رد می‌کند.

ماده ۱۱۳ - در احضار نامه اسم و شهرت احضار شده و تاریخ و علت احضار و محل حضور و نتیجه عدم حضور باید قید شود.

تبصره - در جرائمی که مصلحت اقتضاء کند، علت احضار و نتیجه عدم حضور ذکر نخواهد شد.

ماده ۱۲۹ - قاضی ابتدا هویت و مشخصات متهم (اسم، اسم پدر، شهرت، فامیل، سن، شغل، عیال، اولاد و تابعیت) و همچنین آدرس (شهر، بخش، دهستان، روستا، خیابان، کوچه و شماره منزل) او را دقیقاً سؤال نموده به نحوی که ابلاغ احضاریه و سایر اوراق به آسانی مقدور باشد و متذکر می‌شود که مواظب اظهارات خود باشد و سپس موضوع اتهام و دلایل آنرا به صورت صریح به متهم تفهیم می‌کند آنگاه شروع به تحقیق می‌کند.

سئوالات باید مفید و روشن باشند. سئوالات تلقینی یا اغفال یا اکراه یا اجبار متهم ممنوع است. چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع کند امتناع او در صورت مجلس قید می‌شود.

تبصره ۱ - قاضی در ابتدای تحقیق به متهم تفهیم می‌کند محلی را که برای اقامت خود اعلام می‌کند، محل اقامت قانونی اوست و چنانچه محل اقامت خود را تغییر دهد باید محل اقامت جدید را به گونه‌ای که ابلاغ ممکن باشد اعلام کند، در غیر این صورت احضاریه‌ها به محل اقامت سابق فرستاده خواهد شد. تغییر محل اقامت به منظور تأخیر و طفره و تعلل به گونه‌ای که ابلاغ اوراق متعسر باشد پذیرفته نیست و کلیه اوراق به همان محل سابق ابلاغ خواهد شد. تشخیص این موضوع با مقامی است که رسیدگی می‌کند. رعایت مقررات این ماده از نظر تعیین محل اقامت شاکی یا مدعی خصوصی لازم است.

تبصره ۲ - تخلف مأمورین ابلاغ در انجام وظایف خود و یا گزارش خلاف واقع آنان در امور مربوط به وظایفشان مشمول مجازات مقرر قانونی خواهد بود.

ماده ۱۳۱ - پاسخ سئوالات همان طوری که بیان می‌شود باید بدون تغییر و تبدیل یا تحریف نوشته شود. متهمین با سواد می‌توانند شخصاً پاسخ سئوالات را بنویسند.

نقش حقوق کیفری در دفاع از حریم خصوصی، هم‌چنان محدود است. در واقع، برای دفاع از حریم خصوصی در برابر اقتدار دولتی، باید تلاش کرد تا از اساس پای دولت به میان نیاید و حمایت کیفری به موارد کاملاً ضروری، محدود شود. اصل ضرورت و فرعی بودن حقوق کیفری به مثابه یکی از اصول پذیرفته‌شده جرم‌انگاری در مورد واکنش کیفری به نقض حریم خصوصی، هم باید مراعات شود. دفاع از حریم خصوصی نباید ما را به سوی جرم‌انگاری‌های غیرضروری سوق دهد (دکو و جودیس، ۱۹۸۹ ص ۱۴۷).

به‌طور کلی، حمایت حقوق کیفری از ارزش‌ها، گزینشی است. مثلاً به نظر می‌رسد حقوق کیفری تنها از پاره‌ای از حقوق اموال و مالکیت، حمایت می‌کند. از همین رو نویسندگان، حقوق کیفری را دارای ماهیتی «ناپیوسته» و چندپاره می‌دانند. پیروی از این اصل، در زمینه جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی نیز ضروری است. در مقام جرم‌انگاری نمی‌توان از عنوان کلی نقض حریم خصوصی سخن گفت. موازین جرم‌انگاری ایجاب می‌کند تا حکم هر مورد جداگانه بررسی شود. بنابراین، حریم خصوصی نام خانوادگی بزرگی است برای دسته‌ای از حق‌ها که هر یک ویژگی خود را دارد. با آن که استفاده از تجربیات دیگر جوامع و کشورها اصولاً سودمند است لازم است که با رعایت سنجه بالا، واقعیات جاری و ضرورت‌های عملی هر جامعه، به‌طور خاص مورد توجه قرار گیرد. امروزه بر لزوم شفافیت و کیفیت قوانین کیفری، به‌ویژه قوانین مربوط به جرم‌انگاری، همچون مکمل اصل قانونی بودن جرم، تأکید می‌شود. به موجب این اصل، قانون باید افزون بر این که در دسترس شهروندان است، با صراحت کافی انشا شده باشد. از سوی دیگر با همه تأکیدی که در دوران ما بر لزوم تضمین حقوق می‌شود، همزمان به درستی بر این نکته نیز تأکید می‌شود که حق‌ها برای برخورداری از تضمین حقوقی، باید قابل طرح در دادگاه باشند. ابهام‌های مفهومی پاره‌ای از حق‌ها، ممکن است آن‌ها را فاقد قابلیت رسیدگی قضایی نماید. پاره‌ای از حقوق اقتصادی به دلیل برخورداری از همین ویژگی، در برخورداری از تضمین حقوقی با مشکل مواجهند (امیر ارجمند و همتی، ۱۳۸۶، ص ۲۷۴). ابهام در مفهوم پاره‌ای از مصادیق حریم خصوصی، ایجاب می‌کند تا در مقام جرم‌انگاری تا مرز امکان، از هرگونه ابهام و اجمالی پرهیز شود. نوپیدا بودن بسیاری از مفاهیم مربوط به خلوت، اهتمام به شفافیت قوانین را ضروری‌تر می‌سازد. به همین ترتیب باید به هم‌جواری و تداخل مصالح و منافی که زیر عنوان خلوت از آن‌ها دفاع می‌شود با پاره‌ای دیگر از عناوین، به‌خوبی توجه کرد. نزدیکی مفهوم نقض خلوت با جرایمی چون افترا و هتک حرمت باعث می‌شود که

گاهی تفکیک نقض حریم خصوصی از جرایمی مانند «هتک حرمت»، «افشای سر» و «ضررهای شرفی» که آن‌ها نیز در سیاهه جرایم کیفری بیش‌تر کشورها جایگاه خاص خود را دارند، دشوار شود. به هم آمیختگی‌هایی از این دست، هم می‌تواند مایه سردرگمی دادرسان شود و هم تضییع حقوق متهمان یا بزه‌دیدگان را در پی داشته باشد (نوبهار، ۱۳۸۷، ص ۲۷۵).

در قانون آیین دادرسی، هرچه اختیار مأموران حکومت، معین و معلوم باشد و هر چه اعمال این اختیار، تابع ضوابط و شرایط مشخصی باشد، مداخله حکومت در حقوق و آزادی‌های مردم، معدود و محدود خواهد شد. از مطالعات حقوق تطبیقی و موازین بین‌المللی مربوط به حمایت از حریم خصوصی در قانون آیین دادرسی کیفری، معیارهایی به دست می‌آید که اعمال آن‌ها در قوانینی مانند آیین دادرسی کیفری مورد انتظار است:

۱. به موجب ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری: «رییس یا دادرس هر شعبه مکلف است تحقیقات لازم را شخصاً انجام دهد. این امر مانع از آن نیست که به لحاظ موازین شرعی و مقررات قانونی پاره‌ای از تحقیقات و تصمیمات به دستور و زیر نظر قاضی دادگاه به‌وسیله قضات تحقیق یا ضابطین دادگستری به‌عمل آید. تعیین قاضی تحقیق با رییس حوزه قضایی یا معاون وی خواهد بود».

۲. طبق تبصره ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری، تحقیق در جرایم منافی عفت تنها باید به‌دست قاضی انجام شود و قاضی نمی‌تواند انجام تحقیقات لازم را به قضات تحقیق یا ضابطین دادگستری واگذار کند.

۳. تفتیش و بازرسی منزل، تنها باید به‌موجب قراری باشد که یک قاضی صادر می‌کند.

۴. در جرایم مشهور، ضابطین دادگستری مکلف‌اند تا تمامی اقدامات لازم را به‌منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و علائم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی، معمول کنند و تحقیقات مقدماتی را انجام داده، بلافاصله به اطلاع مقام قضایی برسانند (ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی کیفری).

۵. تفتیش و بازرسی مراسلات پستی، مخابراتی، صوتی و تصویری تنها به‌تصمیم قاضی، مجاز است (ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری).

ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی در همین باره مقرر می‌کند: «هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده، حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید یا

بدون اجازه صاحبان آن‌ها مطالب آن‌ها را افشاء نماید به حبس از ۱ سال تا ۳ سال و یا به جزای نقدی از ۶ تا ۱۸ میلیون ریال محکوم خواهد شد». هم‌چنین اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه ضمن نظریه مشورتی شماره ۷/۶۳۹۲ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۸ در مورد کنترل تلفن افراد اظهار کرده است:

«با توجه به صراحت تبصره ماده ۱۰۴ ق. آ. د. ک. ۱۳۷۸ دستور کنترل تلفن افراد منحصراً به دستور قاضی رسیدگی‌کننده باید باشد و تشخیص این که موضوع از موارد مربوط به امنیت کشور است یا خیر نیز به عهده همان قاضی رسیدگی‌کننده است».

درباره شرایط صدور مجوز ورود به حریم خصوصی و سایر الزاماتی که هنگام اجرای مجوز باید رعایت شوند، قانون آیین دادرسی کیفری، برای هر یک از مصادیق حریم خصوصی احکامی را پیش‌بینی کرده است که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. طبق ماده ۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری «دادرسان و قضات تحقیق هنگامی اقدام به تحقیقات مقدماتی می‌نمایند که طبق قانون این حق را داشته باشند». بنابراین، اقداماتی که برای کشف جرم و حفظ آثار و ادله وقوع آن و تعقیب متهمین از بدو پی‌گردد قانونی تا تسلیم به مراجع قضایی، صورت می‌گیرد باید مطابق با قانون باشد. در مبحث پنجم مشخص شده است که تحقیقات مقدماتی از چه زمانی شروع می‌شود و کیفیت آن چگونه باید باشد. اما مشخص نیست که در صورت تعارض تحقیقات با حقوق متهم و از جمله حق حریم خصوصی او، کدام یک بر دیگری حاکم خواهد بود.

۲. ورود به حریم خصوصی منزل، تفتیش و بازرسی آن، به حکم ماده ۹۶ در صورتی مجاز است که حسب دلایل، ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم در آن محل وجود داشته باشد. در مقایسه با قوانین سایر کشورها نظیر آمریکا و کانادا، که به ترتیب از ضابطه «دلیل محتمل» و ضابطه «معقول بودن» استفاده کرده‌اند، ضابطه «ظن قوی» در ماده ۹۶، موجه به نظر می‌رسد. به ویژه اگر به معنای اصولی عبارت توجه شود. اما مشخص نشده است که منظور از ظن قوی، ظن شخصی یا ظن نوعی است. ممکن است که منظور از قوی بودن ظن، بالابودن میزان قدرت اقتناعی ظن به طور جمعی باشد نه به طور شخصی. زیرا، جدایی قلمرو قواعد حقوقی و اخلاقی همواره ایجاب می‌کند که ابهامات قلمرو حقوقی به نفع ضابطه نوعی تفسیر شود و در قلمرو قواعد اخلاقی به نفع ضابطه شخصی (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۱۴۴). تفتیش و بازرسی اماکن و اشیاء نیز تابع ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری است. هنگام مطالعه مبانی

حمایت از حریم خصوصی درباره منازل، حق مالکیت و حق حریم خصوصی با یکدیگر عجین می‌شوند و لذا حمایت از حریم خصوصی منازل در مقایسه با حریم خصوصی سایر اماکن، مضاعف می‌شود. به همین دلیل، در تعیین ضابطه بازرسی منازل و صدور مجوز، باید وسواس بیش‌تری صورت گیرد. قانون‌گذار با آن که در ماده ۹۶، چنین تمایزی را قائل نشده، در ماده ۹۸ مقرر کرده است: «تفتیش و بازرسی در حضور متصرف قانونی و شهود تحقیق و در غیاب وی در حضور ارشد حاضرین به عمل می‌آید. تفتیش و بازرسی اماکن نیز حتی‌المقدور باید با حضور صاحبان یا متصدیان آنها انجام شود». در این ماده، حریم خصوصی اماکن که ظاهراً به مکان‌های غیرمسکونی اطلاق می‌شود، در مقایسه با حریم خصوصی منزل، مضیق قلمداد شده و بر خلاف منازل، که تفتیش و بازرسی آنها به‌طور مطلق با حضور صاحبان و متصدیان آنها انجام می‌شود و تنها حضور صاحبان و متصدیان لازم شناخته شده و از لزوم حضور شهود تحقیق، سخنی به میان نیامده است. در صورتی که صاحب‌خانه بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأمورین را به خانه تقاضا کند یا این که ضابطین، ورود به منزل را برای جلوگیری از امحای آثار جرم و فرار متهم یا کشف جرم، لازم بدانند (در جرایم مشهود) باید بلافاصله نتیجه عمل به مقامات قضایی اطلاع داده شود.

۳. چنانچه تفتیش و بازرسی منازل و اماکن و اشیاء با حقوق اشخاص، مزاحمت نماید در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهم‌تر باشد (ماده ۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری). در این ماده مشخص نشده است که اولاً منظور از «حقوق» کدام است و ثانیاً آیا حقوق مظنونین یا متهمین، مورد نظر است یا حقوق اشخاص ثالث، یا هر دو و ثالثاً ضابطه تشخیص حقوق اهم از حقوق مهم چیست.

در برخی اسناد بین‌المللی نیز دسته‌بندی حقوق و مقدم‌دانستن برخی از حقوق، نسبت به حقوق دیگر، مشاهده می‌شود. برای مثال، «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» که دولت ایران نیز به آن ملحق شده است، به لحاظ اهمیت حقوق مذکور در آن بر میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی، ترجیح داده شده است. در برخی نظریه‌های حق نیز، سلسله‌مراتب میان حقوق مشاهده می‌شود و حق حیات، حق آزادی و حق مالکیت با سایر حقوقی که در بطن آنها وجود دارد به ترتیب ارجحیت و اهمیت، مطالعه شده‌اند. یکی دیگر از ملاک‌های تشخیص حقوق اهم از حقوق مهم جنبه فردی یا اجتماعی حقوق است: در صورت تعارض یک حق فردی مانند حق حریم خصوصی با یک حق عمومی یا اجتماعی، مانند حق تعقیب

جنایاتی که تنها به لحاظ حیثیت عمومی تعقیب می‌شوند، کدام یک بر دیگری مقدم و حاکم خواهد بود؟

جوامع لیبرال علی‌الاصول حقوق فردی را مقدم می‌دارند و جوامع سوسیالیست، حقوق اجتماعی و عمومی را. جوامع اسلامی که جامعه ایران نیز در زمره آنهاست، پاسخ روشنی به این سؤال نمی‌دهند، یا به تعبیر دیگر، در مقام جمع آنها برآمده‌اند. بنابراین، گاه با استناد به مبانی نقلی، حقوق فردی بر حقوق عمومی، مقدم شناخته شده است (همانند حق قصاص نفس عضو، احکام غضب و معاملات فضولی و عدم توجه به نظریه حسن نیت و نظریه ظاهر در تعیین آثار آنها) و گاه حیثیت عمومی برخی اعمالی که به نظر جنبه فردی دارند بر حیثیت خصوصی و فردی، مقدم شناخته شده است.

۴. تفتیش و بازرسی منازل باید در حضور متصرف قانونی و شهود تحقیق و در غیاب وی در حضور ارشد حاضرین، به عمل آید. تفتیش و بازرسی اماکن نیز حتی‌المقدور باید در حضور صاحبان یا متصدیان آنها انجام شود. (ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری). چنانچه در محلی که از آن تفتیش و بازرسی به عمل می‌آید کسی حاضر نباشد. تنها در صورتی که تفتیش و بازرسی فوریت داشته باشد فقط قاضی می‌تواند با قید مراتب در صورت جلسه، دستور بازکردن محل را بدهد (ماه ۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری)، تفتیش و بازرسی منازل باید در روز صورت بگیرد و تنها در صورتی می‌توان شبانه به این کار دست زد که ضرورت اقتضا کند و این ضرورت را قاضی تشخیص دهد و در صورت مجلس قید کند (ماده ۱۰۰ آیین دادرسی کیفری).

۵. در تفتیش و بازرسی اوراق و اسناد و نوشته‌های متعلق به متهم باید حریم اطلاعات او رعایت شود. فقط آنچه راجع به واقعه جرم است تحصیل و در صورت لزوم، به شهود تحقیق ارائه می‌شود.

قاضی مکلف است در مورد سایر نوشته‌ها و اشیاء متعلق به متهم، فقط آنچه راجع به جرم است تحصیل و در صورت لزوم، به شهود تحقیق، ارائه کند. قاضی مکلف است در مورد سایر نوشته‌ها و اشیاء متعلق به متهم، با کمال احتیاط رفتار کرده، موجب افشای مضمون و محتوای آنها که ربطی به جرم ندارد، نشود. در پاسخ به سؤال چهارم یعنی چنانچه با نقض حریم خصوصی، ادله‌ای تحصیل شده باشد چه باید کرد؟ باید گفت قانون آیین دادرسی کیفری، حکم خاصی پیش‌بینی نکرده و از این لحاظ، ناقص است.

به طور کلی، هرگونه دخالت در حریم خصوصی، نوعی مداخله در لایه‌های پنهانی‌تر

شخصیت فرد است. حتی جرم‌انگاری نقض حق بر خلوت، ممکن است به مداخلاتی در حریم خصوصی بیانجامد. به سخنی دیگر، چون فرایندهای کشف، تعقیب و رسیدگی‌های کیفری، اصولاً عمومی است، ممکن است حتی آن‌گاه که با رویکرد حمایتی صورت می‌گیرند، خود زمینه‌ساز افشای اسرار شهروندان باشند. از همین رو، همه فرایندهای کیفری از جرم‌انگاری گرفته تا کشف، تعقیب و رسیدگی به جرایم علیه حریم خصوصی، همگی باید به گونه‌ای طراحی شود که مستلزم نقض حریم خصوصی نباشد. به این منظور، باید به جرایم علیه خلوت، وصف جرایم خصوصی و قابل‌گذشت، داده شود. عمومی قلمدادکردن این دسته از جرایم به معنای تجویز پیگیری و تعقیب آن، با قطع نظر از شکایت شاکی خصوصی به احتمال زیاد، خود به نقض حریم خصوصی افراد می‌انجامد.^۱ امروزه، بسیاری از کشورها درباره حمایت کیفری از جلوه‌های گوناگون خلوت، خواه از سوی دولت و موسسات پیر و آن باشد یا موسسات حقوق خصوصی یا اشخاص حقیقی، فصلی از جرایم را در قوانین کیفری به خود اختصاص داده است. این جرایم، که با عنوان جرایم علیه خلوت نام‌گذاری شده‌اند، در برخی از کشورها زیر عنوان جرایم علیه اشخاص، طبقه‌بندی شده است. برای نمونه، می‌توان به قانون جزای ایالت مریلند آمریکا اشاره کرد که ضمن مواد ۳-۹۰۱ تا ۳-۹۰۷ جلوه‌های گوناگون نقض حریم خصوصی را به تفصیل جرم‌انگاری کرده است. (نوبهار، ۱۳۸۷، ص ۲۵۷). هم‌چنین قانون نمونه کیفری آمریکا که در ماده ۲۵۰-۱۲ با عنوان نقض خلوت، موارد گوناگون نقض حریم خلوت را جرمی از نوع جنحه قلمداد کرده است. (نوبهار، ۱۳۸۷، ص ۲۵۷) در قوانین و مقررات کشور ما همان‌طور که گفته شد حمایت‌های کیفری به عمل آمده از ابعاد گوناگون حریم خصوصی، اندک است. برای رفع بخشی از این کاستی، بند «۵» ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم، قوه قضاییه را موظف کرده است تا در راستای اصل بیستم قانون اساسی، لایحه حفظ و ارتقای حقوق شهروندی و حمایت از حریم خصوصی افراد را تهیه نماید و به تصویب مراجع ذی‌صلاح برساند. هم‌چنین به موجب بندهای «و» و «ز» ماده ۱۰۰ قانون برنامه چهارم توسعه، حفظ و صیانت از حریم خصوصی افراد و ارتقای احساس امنیت اجتماعی در مردم و جامعه از وظایف دولت است. رییس دولت هشتم برای رفع این کاستی و به منظور اجرای اصول ۲۲ و ۲۵ قانون

۱. به موجب ماده ۷۷ لایه حمایت از حریم خصوصی، تعقیب کیفری جرایم ناشی از نقض حریم خصوصی، تنها با شکایت شاکی خصوصی آغاز و با گذشت او موقوف خواهد شد. (نوبهار، ۱۳۸۷: ۲۵۷)

اساسی جمهوری اسلامی ایران، لایحه‌ای را تنظیم و به مجلس شورای اسلامی تقدیم نمود، که این لایحه مسکوت ماند. نوبهار در این باره می‌گوید: «به طور کلی در مقررات جمهوری اسلامی ایران از حمایت کیفری از حقوق و آزادی‌ها، چندان استقبال نمی‌شود. در حالی که شورای نگهبان، در برابر قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مقاومت می‌نمود، همین قانون را بدون پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری خاصی، مخالف با شرع و قانون اساسی ندانست» (نوبهار، ۱۳۸۷، ص ۲۸۰).

حریم خصوصی در قانون مجازات اسلامی

در قانون مجازات اسلامی نیز احکام مهمی درباره حریم خصوصی و حمایت از آن به چشم می‌خورد که در برخی موارد به طور ضمنی و تلویحی از حق داشتن حریم خصوصی، حمایت شده است. در برخی دیگر از مواد آن به طور صریح و روشن از مصادیق حق حریم خصوصی دفاع شده و برای نقض‌کنندگان آن، مجازات‌هایی پیش‌بینی گردیده است. این مواد شامل: مواد ۵۷۰ تا ۵۹۳ و ۵۹۷، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۸، ۶۰۹ و ۶۹۱^۱ (آخوندی، ۱۳۷۹، صص ۱۷۰ و

۱. ماده ۵۷۰. هر یک از مقامات و مأمورین دولتی که بر خلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم کند علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۹۳. هر کس عالماً و عامداً موجبات تحقق جرم ارتشا از قبیل مذاکره، جلب موافقت یا وصول و ایصال وجه یا مال یا سند پرداخت وجه را فراهم کند به مجازات راضی برحسب مورد محکوم می‌شود.

ماده ۵۹۷. هر یک از مقامات قضایی که شکایت و تظلمی مطابق شرایط قانونی نزد آن‌ها برده شود و با وجود اینکه رسیدگی به آن‌ها از وظایف آنان بوده به هر عذر و بهانه اگر چه به عذر سکوت یا اجمال یا تناقض قانون از قبول شکایت یا رسیدگی به آن امتناع کند یا صدور حکم را بر خلاف قانون به تأخیر اندازد یا بر خلاف صریح قانون رفتار کند، دفعه‌ی اول از شش ماه تا یک سال و در صورت تکرار به انفصال دائم از شغل قضایی محکوم می‌شود و در هر صورت به تأدیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد.

ماده ۶۰۱. هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی که برحسب مأموریت خود اشخاص را اجبر یا استخدام کرده یا مباشرت حمل و نقل اشیایی را نموده باشد و تمام یا قسمتی از اجرت اشخاص یا اجرت حمل و نقل را که توسط آنان به عمل آمده است به حساب دولت آورده ولی نپرداخته باشد به انفصال موقت از سه ماه تا سه سال محکوم می‌شود و همین مجازات مقرر است درباره‌ی مستخدمینی که اشخاص را به بیگاری گرفته و اجرت آن‌ها را خود برداشته و به حساب دولت منظور نموده است و در هر صورت باید اجرت مأخوذه را به ذی‌حق مسترد کند.

ماده ۶۰۲. هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی که برحسب مأموریت خود حق داشته است اشخاصی را استخدام و

۳۱۵) و (منصور، ۱۳۸۷، صص ۱۵۷ و ۱۵۶) و (طالع خرسند، ۱۳۸۵، ص ۱۸۶) و (شکری و سیروس، ۱۳۸۵، ص ۶۴۱).

کاستی‌های قانون مجازات اسلامی در ارتباط با حریم خصوصی

در قانون مجازات اسلامی نیز احکام مهمی درباره حریم خصوصی و حمایت از آن به چشم می‌خورد. اما کلمات و عبارت‌های این احکام مانند سایر قوانین مرتبط با حریم خصوصی، کلی بوده، جنبه کیفی و تفسیری دارند و متأسفانه رویه قضایی نیز اقدامی جهت تدقیق و تفسیر این احکام، انجام نداده است. قابل توجه این‌که در قانون مجازات اسلامی بر آزادی شخصی افراد ملت و حمایت از حریم خصوصی آن‌ها، تأکید دارد. هم‌چنین در حمایت از حریم خصوصی جسمانی، برای اشخاصی که به حبس یا توقیف غیرقانونی افراد ملت اقدام می‌کنند مجازات‌هایی

اجیر کند و بیش از عده‌ای که اجیر یا استخدام کرده است به حساب دولت منظور کند یا خدمه شخصی خود را جزء خدمه دولت محسوب کند و حقوق آن‌ها را به حساب دولت منظور بدارد به شلاق تا (۷۴) ضربه و تأدیه مبلغی که به ترتیب فوق به حساب دولت منظور داشته است محکوم خواهد گردید.

ماده ۶۰۴. هر یک از مستخدمین دولتی اعم از قضایی و اداری، نوشته‌ها و اوراق و اسنادی که حسب وظیفه به آنان سپرده شده یا برای انجام وظایفشان به آن‌ها داده شده است را معدوم یا مخفی کند یا به کسی بدهد که به لحاظ قانون از دادن به آن کس ممنوع می‌باشد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۰۵. هر یک از مأمورین ادارات و مؤسسات مذکور در ماده‌ی (۵۹۸) که از روی غرض و بر خلاف حق درباره یکی از طرفین اظهار نظر یا اقدامی کرده باشد به حبس تا سه ماه یا مجازات نقدی تا مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال و جبران خسارت وارده محکوم خواهد شد.

فصل پانزدهم - هتک حرمت اشخاص

ماده ۶۰۸. توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنان چه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود.

ماده ۶۰۹. هر کس با توجه به سمت، یکی از رؤسای سه قوه یا معاونان رئیس جمهور یا وزرا یا یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا نمایندگان مجلس خبرگان یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کارکنان وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها در حال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین کند به سه تا شش ماه حبس و یا تا (۷۴) ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود.

ماده ۶۹۱. هرکس به قهر و غلبه داخل ملکی شود که در تصرف دیگری است اعم از آن که محصور باشد یا نباشد یا در ابتدای ورود به قهر و غلبه نبوده ولی بعد از اخطار متصرف به قهر و غلبه مانده باشد علاوه بر رفع تجاوز حسب مورد به یک تا شش ماه حبس محکوم می‌شود. هرگاه مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لاقفل یکی از آن‌ها حامل سلاح باشد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهند شد.

در نظر گرفته است. برای مثال ماده ۵۷۲ مقرر می‌کند: «هرگاه شخصی بر خلاف قانون، حبس شده باشد و در خصوص حبس غیرقانونی خود شکایت به ضابطین دادگستری یا مأمورین انتظامی نموده و آنان شکایت او را استماع نکرده باشند و ثابت نکنند که تظلم او را به مقامات ذی صلاح اعلام و اقدامات لازم را معمول داشته‌اند به انفصال دائم از همان سمت و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت ۳ تا ۵ سال محکوم خواهند شد». در این راستا مواد ۵۷۳ تا ۵۷۵ نیز قابل توجه‌اند.

مواد ۵۸۰ و ۶۹۴ برای نقض حریم خصوصی منازل و مواد ۶۹۱ و ۶۹۲ نیز برای حریم خصوصی اماکن، ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی کرده‌اند. البته باید اشاره کرد درباره ورود افراد غیرحکومتی به حریم منزل، قانون مجازات اسلامی، تنها به ورودهای همراه با عنف و فیزیکی توجه کرده است اما به ورودهای غیرعدوانی و نیز غیرفیزیکی، توجه نکرده است.

ماده ۵۸۲، حریم خصوصی ارتباطات و مواد ۶۴ و ۶۴۸ نیز حریم خصوصی اطلاعات را مورد توجه قرار داده‌اند و برای نقض‌کنندگان آن‌ها ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی کرده‌اند. به هر حال در برخی از مواد قانون مجازات اسلامی به طور ضمنی و تلویحی از حق داشتن حریم خصوصی، حمایت شده است و در برخی دیگر از مواد آن به طور صریح و روشن از مصادیق حق حریم خصوصی دفاع شده و برای نقض‌کنندگان آن، مجازات‌هایی پیش‌بینی شده است.

حریم خصوصی در قانون آزادی اطلاعات

در قرن بیست و یکم، آزادی دسترسی به اطلاعات دولتی که به‌عنوان بخشی از «آزادی اطلاعات» یا «جریان آزاد اطلاعات» قلمداد می‌شود، یکی از مهم‌ترین اصول حقوق بشر است. از این نظر، کشورهایی که به لحاظ ساختار حکومتی نمی‌توانند دسترسی آزاد آحاد جامعه به اطلاعات را تضمین کنند، در زمره کشورهای ناقض حقوق بشر به‌شمار می‌روند. کشورهای دموکراتیک، مدت‌ها است که ضرورت تدوین عمومیت اسناد دولتی و یا قانون آزادی اطلاعات را درک کرده و اقدامات قانونی لازم را انجام داده‌اند. با تحولات اخیر فناوری تبادل اطلاعات و ارتباطات و ایجاد فضای سبیرنتیک، جریان آزاد اطلاعات، جزء حتمی جامعه جدید محسوب شده و دیر یا زود همه کشورها ناچار به پذیرش این اصل خواهند شد. بر اساس قانون آزادی اطلاعات، دولت مکلف است که امکان دسترسی به اسناد، مدارک و گزارش‌ها را برای مدت زمان تعیین‌شده، فراهم سازد. البته این حق، بی‌قید و شرط نیست و رعایت موازینی برای آن

پیش‌بینی شده است. در این قانون حق حریم خصوصی در چند ماده از جمله ماده ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ مورد توجه قرار گرفته است (حافظیان رضوی، ۱۳۸۸، ص ۲).

۱. ماده ۱۴- چنانچه اطلاعات درخواست شده مربوط به حریم خصوصی اشخاص باشد و یا در زمره اطلاعاتی باشد که با نقض احکام مربوط به حریم خصوصی تحصیل شده است، درخواست دسترسی باید رد شود.
- ماده ۱۵- موسسات مشمول این قانون در صورتی که پذیرش درخواست متقاضی متضمن افشای غیرقانونی اطلاعات شخصی درباره یک شخص حقیقی ثابت باشد باید از در اختیار قرار دادن اطلاعات درخواست شده خودداری کنند، مگر آنکه:
 - الف- شخص ثالث به نحو صریح و مکتوب به افشای اطلاعات راجع به خود رضایت داده باشد.
 - ب- شخص متقاضی، ولی یا قیم یا وکیل شخص ثالث، در حدود اختیارات خود باشد.
 - ج- متقاضی یکی از موسسات عمومی باشد و اطلاعات درخواست شده در چارچوب قانون مستقیماً به وظایف آن به عنوان یک موسسه عمومی مرتبط باشد.
- بند سوم - حمایت از سلامتی و اطلاعات تجاری:
- ماده ۱۶- در صورتی که برای موسسات مشمول این قانون با مستندات قانونی محرز باشد که در اختیار قرار دادن اطلاعات درخواست شده، جان یا سلامت افراد را به مخاطره می‌اندازد یا متضمن ورود خسارت مالی یا تجاری برای آنها باشد، باید از در اختیار قرار دادن اطلاعات امتناع کنند.
- بند چهارم - سایر موارد:
- ماده ۱۷- موسسات مشمول این قانون مکلفند در مواردی که ارائه اطلاعات درخواست شده به امور زیر لطمه وارد می‌نماید از دادن آنها خودداری کنند.
 - الف- امنیت و آسایش عمومی.
 - ب- پیشگیری از جرائم یا کشف آنها بازداشت یا تعقیب مجرمان.
 - ج- ممیزی مالیات یا عوارض قانونی یا وصول آنها.
 - د- اعمال نظارت بر مهاجرت به کشور.
- تبصره ۱- موضوع مواد (۱۳) الی (۱۷) شامل اطلاعات راجع به وجود یا بروز خطرات زیست‌محیطی و تهدید سلامت عمومی نمی‌گردد.
- تبصره ۲- موضوع مواد (۱۵) و (۱۶) شامل اطلاعاتی که موجب هتک عرض و حیثیت افراد یا مغایر عفت عمومی و یا اشاعه فحشاء می‌شود، نمی‌گردد.
- فصل پنجم - کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات
 - بند اول - تشکیل کمیسیون:
- ماده ۱۸- به منظور حمایت از آزادی اطلاعات و دسترسی همگانی به اطلاعات موجود در موسسات عمومی و موسسات خصوصی که خدمات عمومی ارائه می‌دهند، تدوین برنامه‌های اجرایی لازم در عرصه اطلاع‌رسانی، نظارت کلی بر حسن اجرا، رفع اختلاف در چگونگی ارائه اطلاعات موضوع این قانون از طریق ایجاد وحدت رویه، فرهنگسازی، ارشاد و ارائه نظرات مشورتی، کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات به دستور رییس‌جمهور با ترکیب زیر تشکیل می‌شود:

کاستی‌های قانون آزادی اطلاعات در ارتباط با حریم خصوصی

تصویب این قوانین، پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای را در جامعه نشان می‌دهد اما انتقادهایی نیز به آن‌ها وارد است، که موارد زیر از آن جمله‌اند:

دامنه این قوانین به بخش‌های قضایی و مأموران بازرسی و رسیدگی مجلس خلاصه می‌شود. به طور مثال، قانون مستقل خدمات بهداشت ملی، که در سال ۱۹۹۵ تصویب شد فقط به مأموران رسیدگی به امور قضایی بهداشتی اجازه بررسی می‌دهد و همه گروه‌های جامعه موضوع این قانون نیستند و قانون شامل آن‌ها نمی‌شود.

قوانین، امکان دسترسی به اطلاعات را می‌دهد نه سوابق پرونده‌ها را و این خود مستلزم آن است که درخواست‌کننده‌ای داشته باشد. آنچه ارائه می‌گردد نیز مجموعه‌ای خلاصه شده است که بیش‌تر به صورت تصویری از مدارک است نه اصل مدارک.

هزینه‌ها از سوی متقاضی باید پرداخت شود، حتی اگر آنچه خواسته شده به کار مورد نظر او، ارتباطی پیدا نکند. البته بخش‌ها اجازه دارند فرصتی به متقاضی برای رؤیت اسناد قبل از تقاضا بدهند. چون قوانین قدرت اجرایی ندارند، چیزی را نمی‌توانند تحت‌الشعاع قرار دهند و قید و بندی برای جلوگیری از افشاگری و آشکارسازی که ممکن است در مواردی پیش آید وجود ندارد (حافظیان رضوی، ۱۳۸۸، ص ۲).

الف- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی (رییس کمیسیون).

ب- وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات یا معاون ذریبط.

ج- وزیر اطلاعات یا معاون ذریبط.

د- وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح یا معاون ذریبط.

ه- رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور یا معاون ذریبط.

و- رییس دیوان عدالت اداری.

ز- رییس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی.

ح- دبیر شورای عالی فناوری اطلاعات کشور.

تبصره ۱- دبیرخانه کمیسیون یاد شده در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل می‌گردد. نحوه تشکیل جلسات و اداره آن و وظایف دبیرخانه به پیشنهاد کمیسیون مذکور به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

تبصره ۲- مصوبات کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات پس از تایید رییس‌جمهور لازم‌الاجرا خواهد بود.

حریم خصوصی در قانون حقوق شهروندی

در قانون حقوق شهروندی، که در ۱ ماده واحده و ۱۵ بند تهیه و تنظیم شده موضوع حریم خصوصی، به منزله یکی از موضوعات و مسائل انسانی و حقوق یک شهروند همانند دیگر قوانین و مقررات، به صورت ضمنی از برخی مصادیق حریم خصوصی حمایت شده است که مهم‌ترین آن مواد، بندهای ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸ در ارتباط با حریم خصوصی بیان شده است:

اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌کند که در موارد ضروری نیز به ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرره پرونده به مراجع صالح قضایی، ارسال

۱. کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تامین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلب حق شخصی و سوء استفاده از قدرت یا اعمال هرگونه خشونت یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود.
۲. محکومیت‌ها باید برطبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رای مستدل و مستند به مواد قانونی یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر براءت متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.
۳. محاکم و دادرها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.
۴. با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرایم و مطلعان از وقایع و کلاً در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم، لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد.
۵. اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌کند که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرره پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیر شدگان در جریان قرارگیرند.
۶. در جریان دستگیری و بازجویی با استطاع و تحقیق از این‌ای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا تحقیر و استخفاف به آنان اجتناب گردد.
۷. بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلاً «اقدام‌های خلاف قانون خودداری ورزند».
۸. بازرسی‌ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و درکمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی مورد آن‌ها خودداری گردد.

شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرارگیرند. (بند ۳)

در جریان دستگیری و بازجویی با استماع و تحقیق، از ایدای افراد، نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف به آنان اجتناب گردد. (بند ۴)

بازرسی‌ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط، انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آن‌ها، خودداری گردد. (بند ۵)

کاستی‌های قانون حقوق شهروندی در ارتباط با حریم خصوصی

۱. قانون اساسی در اصول متعددی، مصادیقی از حقوق شهروندان را بیان و از آن، حمایت می‌کند. از جمله می‌توان به اصول ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۴، ۳۵، ۶، ۳۷ اشاره کرد که به ترتیب بیان‌کننده برابری افراد ملت، آزادی عقیده، آزادی بیان، آزادی شغل، برخورداری از تامین اجتماعی، برخورداری از آموزش و پرورش، حق مسکن، حق دادخواهی، حق داشتن وکیل و اصل برائت می‌باشند. اما پس از تصویب قانون اساسی، در عمل، نقض متعدد حقوق مصرح در این قانون، مشاهده شده است. پس از گذشت سال‌ها و با توجه به نحوه احضارها، بازداشت‌ها، صدور احکام و اجرای آن‌ها قانون‌گذار برآن شد تا برای حمایت از حقوق شهروندی و اجرای اصول قانون اساسی، به تصویب قانونی در حمایت از حقوق شهروندی بپردازد. اما به نظر می‌رسد که کار اصلی مقنن در این قانون، تکرار دوباره اصول قانون اساسی در حمایت از حقوق شهروندی بوده است بدون آن‌که ضمانت اجرای مشخص و معینی در جهت صیانت از این قانون، اضافه کند.

۲. یکی از مصادیق حقوق بشر و شهروندی، در نظام‌های معاصر، حق محاکمه بموجب قانون و محکمه صالح است. این حق، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل سی و ششم، بدین‌گونه بیان شده است: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد». مقنن باید از قبل، اعمال نامشروع و مستوجب کیفر را مشخص نماید و با ذکر مصادیق و میزان مجازات هر یک از آن‌ها، آن را به شهروندان ارائه دهد تا هر فردی در جامعه، به حدود و ثغور خودآگاهی داشته باشد و بداند چه عملی نامشروع است و در صورت ارتکاب، چه عقوبتی در انتظار او است. در بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع

و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ چنین عنوان شده است: «محکومیت‌ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر براءت است و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد» مشاهده می‌شود که قانون‌گذار به دادرس اجازه داده است که در مقام صدور حکم در صورت نبودن قانون، منابع معتبر فقهی را مستند حکم خود نماید. با توجه به پراکنده بودن منابع فقهی و وجود اختلاف نظر میان فقها در خصوص جرائم و مجازات‌ها این مقرر قبل از آن‌که موجب فصل خصومت و برقراری نظم در جامعه گردد، با ایجاد تشتت در آراء و اعمال تبعیض میان شهروندان، موجب نقض حقوق آنان و ایجاد نابرابری در جامعه می‌گردد.

نتیجه

حریم خصوصی بخشی از حیات شخصی و خانوادگی انسان محسوب می‌شود که جدا از عرصه عمومی اجتماعی رسمی است. لذا اساس این حریم، مبتنی بر حمایت از آزادی و استقلال فردی، حمایت از آبرو و حیثیت افراد و حمایت از نیازهای فطری انسان به مسائل شخصی و خصوصی است. توجه به حریم خصوصی یکی از اساسی‌ترین مصادیق حقوق بشر است که از توجه به شأن و منزلت انسانی و ارزش‌های مبتنی بر انواع آزادی‌ها نشأت گرفته است. حریم خصوصی نه تنها از آزادی و استقلال افراد در قبال هموعان خود و رسانه‌ها حمایت می‌کند، بلکه وسیله‌ای است برای دفاع از آزادی و امنیت فردی در برابر دولت. هم‌چنین قلمرو حریم خصوصی به گونه‌ای است که افراد مایل نیستند دیگران بدون رضایت آن‌ها به آن وارد شوند. بنابراین احترام گذاشتن به حریم خصوصی افراد به منزله یکی از اصول اولیه شهروندی ضروری است. این حریم، خصوصی‌ترین بخش زندگی افراد است که باید توسط سایرین نیز درک شده و مورد احترام قرار گیرد. هیچ‌کس اجازه ورود به حریم خصوصی دیگران را ندارد و تعرض به آن، تخلف و قانون شکنی محسوب می‌شود. زیرا حریم خصوصی به عنوان یک حق واقعی است که نخست، حق افراد به آزادبودن از مداخله دیگران را در فعالیت‌هایشان تا جایی که این فعالیت‌ها آسیبی به دیگران نرساند نشان می‌دهد. دوم؛ حق افراد در انتخاب داشتن مقداری اطلاعات در مورد خود که غیرقابل دسترسی برای دیگران است. مسئله قابل توجه این‌که حریم خصوصی یکی از اصول سازمان‌بخش جامعه مدنی است که امکان

تشکیل انجمن‌ها و تشکیلات خصوصی را فراهم می‌سازد. در واقع وجود حوزه‌های عمومی و خصوصی، پیش شرط یک جامعه دموکراتیک است. با همه ابهام‌هایی که درباره مفاهیم حوزه‌های عمومی و خصوصی وجود دارد، طیف گسترده‌ای از نظریات، به لزوم وجود حوزه‌های خصوصی آزاد از مداخلات دولتی و نقش آن‌ها در رشد فردی و اجتماعی انسان‌ها، اذعان می‌کنند. در نظام حقوقی ایران، حریم خصوصی به صورت مشخص و معنون، حمایت نشده است. همانند موضع نظام حقوقی اسلام، موضع حقوق موضوعه ایران در مواجهه با حریم خصوصی، تحویل‌گرایانه^۱ است: از حقوق و آزادی‌های که تحت عنوان «حریم خصوصی» حمایت می‌شوند به طور ضمنی و در بطن سایر قواعد حقوقی ایران هرچند به طور ناقص، مورد حمایت قرار گرفته‌اند. قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری، قانون آزادی اطلاعات، قوانین و مقررات مربوط به ارتباطات پستی، تلفنی، و قانون مطبوعات، در زمره قوانین و مقرراتی هستند که گاه ضمنی و گاه صریحاً از برخی مصادیق حریم خصوصی، حمایت کرده‌اند. البته برخلاف قوانین اساسی کشورهای که از حریم خصوصی به صورت مشخص و در قالب اصل یا اصول خاصی حمایت کرده‌اند، در قانون اساسی ایران متن خاصی که از حریم خصوصی تحت این عنوان، حمایت کرده باشد، وجود ندارد. با آن که قوانین و مقررات کنونی از برخی مصادیق حریم خصوصی حمایت کرده‌اند اما این حمایت‌ها کافی و کارآمد نیست. از حریم جسمانی، حریم منزل، حریم خصوصی کارکنان و مستخدمان، حریم اطلاعات شخصی، حریم ارتباطات اینترنتی و حریم خصوصی افراد در قبال افشاگری‌های رسانه‌ای یا هیچ حمایتی صورت نگرفته است یا اگر حمایتی وجود دارد با توجه به در دسترس بودن انواع فناوری‌های قابل استفاده برای نقض حریم خصوصی، کافی و کارآمد نیست. وجود رویه‌های مختلف ناقض حریم خصوصی در جامعه، گواه آشکاری است بر این امر که حمایت‌های قانونی و قضایی مناسبی از حریم خصوصی افراد در جامعه اعمال نمی‌شود. در چنین وضعی علاوه بر آن که تدوین قانون حمایت از حریم خصوصی برای رفع خلاء قانونی

۱. تحویل‌گرایان: برخی علما با نظری شکاکانه و انتقادی حق حریم خصوصی را مورد مطالعه قرار می‌دهند. مهم‌ترین ادعای این افراد آن است که حق مستقلی به نام حق حریم خصوصی وجود ندارد و حق مذکور، مفاد و موضوع تازه‌ای ندارد و مطلب خاصی هم نمی‌گوید؛ زیرا می‌توان هر امری را که به عنوان امر خصوصی مورد حمایت حق حریم خصوصی قرار می‌گیرد در قالب دیگر نفع‌ها یا حق او به ویژه حق تمامیت جسمی مورد حمایت قرار داد. از این گروه به «تحویل‌گرایان» یاد میشود

در این باره ضرورت دارد، آگاهی دادن و اطلاع‌رسانی درباره مفاهیم و مصادیق حریم خصوصی و تجربیات سایر کشورها در زمینه حمایت از حق حریم خصوصی نیز می‌تواند تاثیر مهمی در مشخص شدن جایگاه این حق در روابط فردی و اجتماعی داشته باشد.



منابع و مأخذ

۱. آخوندی، محمود (۱۳۷۹)، آیین دادرسی کیفری، جلد چهارم، قم: انتشارات دانشگاه قم (اشراق).
۲. امیر ارجمند، اردشیر و همتی، مجتبی (۱۳۸۶)، بررسی و تحلیل تضمینات حقوق اقتصادی و اجتماعی بین‌الملل در نظام‌های حقوق داخلی الهیات و حقوق، ش ۲۳، سال هفتم.
۳. انصاری، باقر (۱۳۸۶)، حقوق حریم خصوصی، تهران: نشر سمت.
۴. برمن (۱۳۸۶)، مدرنیسم در خیابان‌ها، ترجمه منصور تیموری روزنامه کارگزاران سه شنبه ۷ اسفند ماه ۱۳۸۶، سال دوم، ش ۴۸.
۵. حافظیان رضوی، سید کاظم (۱۳۸۸)، آشنایی با قانون آزادی اطلاعات، برگرفته از سایت آفتاب، ۳۰ فروردین ۱۳۸۸ www.Aftab.com.
۶. رضایی پور، آرزو (۱۳۸۸)، قوانین و مقررات حقوق شهروندی، تهران: انتشارات سپهر ادب.
۷. روزنبل، ن. (۱۳۸۳)، لیبرالیسم، ترجمه موسی اکرمی، در دایره المعارف دموکراسی، ج ۳، تهران: نشر وزارت امور خارجه.
۸. زراعت، عباس (۱۳۸۲)، اصل آیین دادرسی کیفری ایران، تهران: انتشارات مجد.
۹. شکری، رضا و سیروس، قادر (۱۳۸۵)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران: انتشارات مهاجر.
۱۰. طالع خرسند، هادی (۱۳۸۵)، قانون مجازات اسلامی، تهران: نشر جمال الحق.
۱۱. قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۳)، بایسته‌های حقوق اساسی، چاپ هفدهم، تهران: نشر میزان.
۱۲. لوشر، فرانسوا (۱۳۹۰)، ددگستری اساسی، ترجمه و تحقیق سید مجتبی واعظی، تهران: جاودانه.
۱۳. منصور، جهانگیر (۱۳۸۷)، قانون مجازات اسلامی، تهران: انتشارات کاج.
۱۴. نوبهار، رحیم (۱۳۸۷)، حمایت حقوق کیفری عمومی و خصوصی، تهران: انتشارات جنگل.

۱۵. هاشمی، محمد (۱۳۸۲)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، جلد اول، تهران: نشر میزان.

16. CF. Decew, Judith (1989), *The Scope of Privacy in Law and Ethics*, i: Law and Philosophy, vol. 5, No2. August.
17. Foord, Kate (2002), *Defining Privacy, Victorian Law*, princeton university press.
18. Ronald B. Standler (1997), *Privacy law in USA*, Haward Broadcasting, Sep, P. 11. From: www.rbs2.com
19. Sudre, Frederic, ... (2009), *Les grands arrêts de la Cour europeenne des Droits de l'Homme*, PUF, Paris.

